

نویسنده : جولیان روز (Julian Rose).

منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ «2019-07-21»

برگردان : پوهند وی دوکتور سید حسام «مل» .

-----[60]-----

من ، من ، من ، رضایت مندیهای عصبی از نسل خود نگاره «خود عکسگری»

Me, Me, Me, the neurotic satisfactions of the selfie generation



من قبول و اعتراف خواهم کرد که ما موجودات کنجکا و یا پرسشگر هستیم؛ خیلی طرف طبیعت ما ؛ خیلی رنگ به احساسات ؛ سفرهای زیادی از تصورات ما ؛ اما در اینجا این سوال باید پیش آید : آیا ما میتوانیم با ساختن خود و موضع جذاب و ثابت خود یا در مورد این همه خصوصیات خود چیزی بیشتر بیا موزیم ؟
مطمیناً فردی یا شخصی فرض میکند که او برکیش شخصیت خود نگاره گی (خود نگری) که در سرتاسر جهان در این مقطع خاص از تکامل وجود دارد یا دیده میشود تکیه

دارد. من به وسوسه می‌شوم که بگویم: «انحراف» اما بازگشت به عقب؛ حد اقل این چانس را دارد که بتوانیم مارا با چیزی ملموس در تماس قرار دهد. در حالیکه زندگی را بعنوان یک تجربه واقیعت مجازی با تصویر خود عکس‌گیری شخصی بعنوان نقطه اصلی جدا بیت در می‌آوریم. قادر به تحریک احساس تحسین من برای نسل بشر نیست.

کیش شخصیت (cult) خود‌نگری یا خود‌عکسی یا سلفی تا آنجا پیش رفته است که اکنون گزارش‌های در حال ظهور است که معتادان آن اغلباً برای بدست آوردن عکس کامل؛ خویشتن را در معرض خطر واقعی نابودی قرار داده‌اند؛ تعدادی هم قبلاً به دلیل برخورد و جرات شیطانی بخاطر گرفتن «خود عکسی» کامل؛ در گذشتند.

اگر قرار بود من به این همه نگاه آرام و آرام‌بپردازم، می‌توانم بگویم "خوب، مطمئناً، همه ما نیاز داریم که ضربات خود را به شکلی یا شکل دیگری بگیریم، فقط بگذارید این باشد - بگذارید مردم با دوربین‌های خود سرگرم شوند. قطب؛ جدا از زیاده‌خواهی‌هایی که در مورد آن می‌شنویم سرگرم‌کننده بسیار بی‌ضرر نیست؟"

کافی است که با چنین پیش‌آگهی‌هایی پیش برویم، زیرا این واقیعت این نیست که کل مسئله مطمئناً چیزی را به ما بگوید فقط چیزی که شوق دیوانه لحظه‌ای است. این به ما می‌گوید چیزی کاملاً عمیق در مورد یک مشغله پیشرفته با سطحی بودن به خودی خود.

نوع ورزش یا سپورت متملقانه و یا چاپلوسانه‌ای نفس (خودی) که امروزه محبوبیت آن تا سطح همه‌گیر رسیده است آیا این پا زدن و یا لگزدن در برابر احساس تنهایی و احساس ناچیز در دنیا بی‌است که نسبت به سرنوشت فرد بی‌تفاوت به نظر میرسد؟ آیا ارزش می‌شود در عصر تبلیغ بیش از حد تورم ستاره‌ی مهندسی؛ صحنه؛ صفحه؛ فلم؛ رسانه‌های اجتماعی و دیگران مورد توجه قرار گیرد؟ طیف وسیعی از اهمیت خودی که از آشپزخانه تلویزیون گرفته تا ستاره پورنو (صریح و یا آشکار سازی موارد مورد به جنسی) و تا پوستر سیاسی اجرا شود؟

علت هر چه باشد، ماهیت همه‌جا و غیرقابل انکار آن غیرقابل انکار است و چمدان‌های فنی دیگری رانیز به زرادخانه گردشگران قرن بیست و یکم از گیسوهای هوشمند به ظاهر ضروری اضافه کرده است. اگر در حین راه رفتن در یک منظره زیبا، در صفحه روشنائی یک تلفن هوشمند نمی‌خواهید، یکی در برابر همان پس‌زمینه جلوه دادن یک عکس سلفی را نشان می‌دهد. در حالیکه گفتمان با طبیعت، سرچشمه همه عمیق‌ترین و عملی‌ترین نیازهای ما، ناامید است. از تصویر باقی‌مانده است، به جز در حدی که او زمینه‌ای برای غرور نفس؛ نفس خود را تشکیل می‌دهد.

در اینجا سرنخی از این دلهره نهفته است. زندگی مدرن تصور شده است که یک واقعیت مجازی از هستی است، که انسان را از ریشه های خود بیگانه کرده است. توانایی پیدا کردن قدردانی عمیق از زیبایی، آرامش و قدرت واقعی چشم انداز دود الکترونیکی که از سطح دود کش های خود اقماعی یا رضایت بخش بیرون می آورد؛ بخش از بین رفته است لذا میتوان گفت که این در مجموع، سدی واقعی علیه غرایز واقعی، ادراک و تجربیات رضایت بخش از زندگی ایجاد شده است.

این خود یک وصیعت خطرناک از مصالح است؛ زیرا ما باید این ویژه گی ها را درپیشا پیش ویا درصدر اجندای زندگی خود قراردهیم تا یک حس واقعی از تعامل و تعادل بدست بیاوریم برای اینکه خود را درخود بیابیم ویا که خود را بشناسیم که به ما شجاعت و بینش می بخشد؛ باید مذاکره کنیم ودر نهایت بخاطر درک از حقایق پیچ و تاب خورده بمنظور کسب پیروزی در برابر فریب های از گروه دروغگویان در این زمان هوشیار باشیم. کسانی که احساس میکنند که بمنظور دسترسی به تغذیه خود؛ خویشتن را توسط انگیزه و محرکه خود احاطه میکنند؛ نمیتوانند؛ که در مقابل قدرت های کنترل کننده برده داری مقاومت کنند؛ یا نمیتوان در مقابل تبلیغات به گرو گرفته و با دقت برنامه ریزی شده مقاومت کرد؛ پس این خود باعث میشود که چنین افرادی احساس کنند که «باید» جدیدترین؛ پیشرفته ترین و اساسی ترین افزودنی را به این دامنه ویا میزان داشته باشند. این یک اعتیاد است که شامل پذیرش غیرمنتقدی از اطلاعات ضد اطلاعات است. که اکثریت عمده آنچه در تلویزیون ها؛ روزنامه ها؛ مجلات براق و درخشان و کلیه کانال های ارتباطی ظاهر میشود را تشکیل میدهد که دیواری از اخبار و دیدگاه های جعلی بصری و چاپ شده اطلاعات و آگاهی را مسدود میکند یا که سد راه درک اطلاعات واقعی میشود.

این تنها از اینجا است که یک قدم کوچک تا پذیرش مسلحانه زندگی را در یک «شهر هوشمند» باز میکند. که در آن موجهای کوچک الکترومقناطیسی با هوایی که شما آنرا انشاق ویا تنفس میکنید همراه است که البته چانس دیگر در زمینه موجود نیست یعنی از «مکانی» ویا محلی که دیده بان «نظارت» ویا از «چارچوب نظارتگر» به ارتباط فعالیت های اصلی روز ویا بدون شک در شب در امان ماند. اما ممکن است مکانی که برای معتادان فناوری طراحی ویا ساخته شده باشد غافل شود یا عمداً از نظارت بر آن مکان چشم پوشی ویا اغفال شود. که این خود در واقع یک اردوگاه زندان شیطنی برای تحمیل برنامه کنترل سایی است.

این مکان ویا محلی است که هیچ درختی در آنجا حضور نخواهد داشت زیرا که درختان سیگنال های (5G) را که موتور کنترل کننده هر چیزی است که در این دنیای خشک

کانکریتی و شیشه ای و مایکرو امواج اتفاق می افتد قطع میکند ؛ وای اگر شما تراشه (کلید) شخصی خود را گم کنید که به همه چیزهای که شما به آن نیاز دارید از جمله راندن اتومبیل خود ؛ باز بسته کردن قفل درب منازل خود که شما را کمک میکند ؛ لذا دریک «شهر هوشمند» اگر تراشه (Chip) خود را گم کنید و یا که آنرا از بین ببرید ؛ پس مجبورید از برادر بزرگ درخواست کنید تا بخانه خود باز گردید ؛ چراغها را روشن کنید یخچال را باز کنید ؛ به این (ترتیب همه چیز) که باید قطب اصلی (5G) هوشمند شهر باشد تضمین میکند که شهروندان نمیتوانند خارج از اختیارات کنترل متمرکز کامپیوتر متمرکز شوند .

خیال اورولیا بی؟ خیر ، واقعیت موجود در مراحل نخست آن است .

اما من تصور می کنم این همه اراده ای باشد برای کسانی که می خواهند سرنوشتی را کنترل کنند که غیر از خودشان باشد ، که برای آنها سرنوشت ساز است . چه کسی چنین موجودی روانشناختی را می فهمد یا که می شناسد که مستقیماً جذابیت خود را با همه آنچه در زیر کلمه «سطحی» است وارد می کند . و همین امر ما را به سمت نمایندگان سلفی های خودشیفتگی باز می گرداند ، که دنیا را با غلاف های دوربینی در جهان پرسه می زنند تا خود را در برابر پیش زمینه های عجیب و غریب و آثار مشهور معماری عکاسی کنند ، انگار که فقط یک بریدگی خالی برای یک مجموعه تناثر هستند . از این گذشته ، برای نمایندگان سلفی ، تنها چیزی که از اهمیت واقعی برخوردار است ، خودشان هستند .

این یک خصیصه اغواکننده چشمگیر است که بدام روح و ضمیر انسان می انجامد یا که منتهی میشود ؛ ارباب ویا استاد کار در همه ای اینها این است که به نظر میرسد همه **اوه** « برای بیان طیف وسیعی از احساسات » بسیار طبیعی است و کسانیکه با خارق العاده بودن این اوه موافق نیستند و یا تطابق نظر ندارد و آنرا تایید نمیکنند به حیرت در نظر گرفته میشود و برای تحقیقات به موزه های نژاد های نادر بیگانه اعزام می شوند .

با این وجود نژادهای نادر دارای ژنهای قوی و سیستم معافیتی مقاوم هستند آنها هرگز طبیعت رابه نفع چشم انداز هوشمند مجازی (5G = نسل پنجم شبکه تلفن همراه یا ارتباطات سیار سلولی) با قدرت ترک نکردند آنها در عوض مقاومت را سازمان دادند . توسط انرژی های پیشنیایی می شد ند که توسط طرفداران چشم انداز هوشمند شناخته نمی شد و یا درک نمی شدند .

آنها مشعل عدالت و حقیقت را زنده نگه داشتند ؛ و برغم چشم انداز های ناپایدار پیرامون

خود تعداد شان زیاد شد؛ آنها نام جمعی «بشریت» واحساسات گرم را زیر آن نام نهادند؛ دولتی که ما آنرا «انسانی» می نامیم حفظ کردند؛ با گذشت زمان آنها برای تقویت سلامتی سیاره ای که آنها را تغذیه میکرد و برای نجات کسانی که در سوپ «شوربای» الکترومقناطیسی خود شیفته انتخاب خود ساده گرا بودند نجات دادند. آنها به فریادهای ناامیدانه این زندانیان توجه کردند. تا خود عادی به زندان سمی «زهری» تحمیل شود. این تنها سلفی غیر قابل تحسین بود که هرگز آنرا به زندگی واقعی بازگرداند. بقیه شگوفاً کردن نفس خود را که هرگز نمی دانستند وجود داشته باشد؛ تجربه کردند. خود خواهی نا سپاس.

چقدر موفقیت آمیز این نفس (self) ناخوشایند توسط حواس پرتی ها و جعل عکس های بی نظیر؛ ساعت های بیروح و بی ضمیر هما نظور که بارها در طول هزاره ها مشاهده شد. تنها یادگیری واقعی؛ یادگیری با تجربه است و بس.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله:

جولیان رز یک فعال، نویسنده، پیشگام و بازیگر کشاورزی بین المللی است. در سال 1987 و 1998، وی هدایت کمپین هایی را انجام داد که موجب جلوگیری از ممنوع شدن شیر غیرقانونی در انگلیس شد. و با Jadwiga Lopata، یک برنامه "بگونه به GMO" در لهستان که منجر به ممنوعیت بذر و گیاهان GM در آن کشور در سال 2006 شد. جولیان در حال حاضر مشغول "WiFi 5G" است. او نویسنده دو عنوان تحسین شده است: تغییر مسیر زندگی و دفاع از زندگی. آخرین کتاب او با عنوان "غلبه بر ذهن رباتیک" اکنون از کتابهای آمازون و دیکسی در دسترس است. جولیان مدت زمان طولانی مأموریت یوگا / مراقبه است. برای اطلاعات بیشتر به وب سایت وی مراجعه کنید

www.julianrose.info

----- **با تقدیم سلام ها «2020-06-04»**